

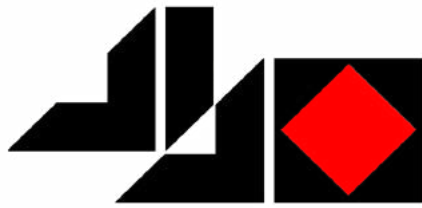
۸

سال اول - شماره هشتم
جمعه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۷
۱۱ می ۲۰۱۸

برجام JCPOA

پاسخ وزارت خارجه
کانادا به سؤال «مداد»
را در صفحه ۲۱ بخوانید





www.medad.ca

مداد، مجله آنلاین مونترال
هفته‌نامه اجتماعی، فرهنگی
شماره هشتم، جمعه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۷

سردبیر: شهرام یزدان پناه
خبر: تحریریه «مداد»
اجتماعی: آزاده مقدم
ادبیات: علی زندیه وکیلی
عکس، سینما: سجاد صاحبان زند
هنر: پریسا کوکلان
سلامت: مهرنوش اردلان یکتا
دانش، تاریخ: مریم ایرانی
سیاست، اقتصاد: شهرام یزدان پناه
صفحه آرایی، طراحی و گرافیک: آتلیه گرافیک مانا

«مداد» هفته‌نامه دیجیتالی است و چاپ نمی‌شود.
اشتراک مجله هفتگی «مداد» رایگان است.
مشترکان هر جمعه نسخه الکترونیک «مداد» را روی ایمیل دریافت می‌کنند.
برای اشتراک اینجا کلیک کنید!
برداشت و استفاده از مطالب «مداد» در صورت ذکر منبع مجاز است.
اگر مایل به نوشتن در «مداد» هستید، مطالب خود را به editor@medad.ca ارسال کنید.
«مداد» در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است.
«مداد» هیچ مسئولیتی در قبال آگهی‌های تجاری ندارد.
تلفن: 4387388068
آدرس: 3285Cavendish blvd, #355 - Montreal, QC - H4B2L9
ایمیل: info@medad.ca



با تبلیغ در «مداد» نه تنها به مشتریان خود وصل می‌شوید بلکه ادامه این حرکت فرهنگی را نیز ممکن می‌سازید. پیشاپیش از شما سپاسگزاریم. برای درج آگهی در «مداد» با ما تماس بگیرید. ما فقط آگهی نمی‌فروشیم، مشاوره تبلیغاتی رایگان هم می‌دهیم.

تلفن واحد آگهی‌ها: ۵۱۴۹۱۶۰۰۸۳

ایمیل: ads@medad.ca

برجام بی فرجام

هفته گذشته دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به یکی دیگر از وعده‌های انتخاباتی‌اش وعده کرد و از توافق نامه اتمی با ایران، موسوم به برجام خارج شد. سال ۲۰۱۶ زمانی که ترامپ توافق اتمی ایران را بدترین توافق تاریخ نامید، رسماً اعلام کرد اگر رئیس جمهور شود، توافق را لغو و تحریم‌ها را تشدید خواهد کرد تا ایران را مجبور به عقب‌نشینی بیشتر کند.

این اتفاق نه تنها قابل پیش‌بینی بود بلکه از وقتی ترامپ سکان رهبری آمریکا را به دست گرفت، همه منتظر رخ دادن این اتفاق بودند. اما این خبر از پیش معلوم، وقتی منتشر شد با خود شوک بزرگی به بار آورد.

در میان این همه غوغا دلم برای مادرانی می‌سوزد که نه نقشی در ایجاد تأسیسات اتمی ایران داشتند و نه نقشی در متوقف کردن آن، اما این روزها گوشه چشمشان از فکر کردن به آینده فرزندان‌شان نمناک می‌شود.

به پدرانی فکر می‌کنم که کسی از آن‌ها نپرسید آیا می‌خواهند انرژی اتمی داشته باشند یا نه و کسی هم برایش مهم نبود موقع خراب کردنش، از آن‌ها اجازه بگیرد اما حالا باید به لاغرتر شدن هر روزه جیبشان نگاه کنند و به سفره‌ای که شاید خالی‌تر شود. بیچاره مردم!

شیرین کمالی‌نیا



دریچه مهاجرت
دریچه ای رو به مهاجرت



مشاور رسمی مهاجرت کانادا
(RCIC)



<https://t.me/immigrationdoor>

iccrc
IMMIGRATION CONSULTANTS OF
CANADA REGULATORY COUNCIL



crcic
CONSEIL DE RÉGLEMENTATION DES
CONSULTANTS EN IMMIGRATION DU CANADA

سهیل احمدی

+1 (514) 748-0949

تماس مستقیم و رایگان از ایران با دفتر کانادا

+98 21 86081897

+98 21 88207093

کبک، مونترال، خیابان سن کترین غربی، پلاک ۴۰۵۵

واحد ۱۶۵ - کدپستی H3Z 3J8

ارزیابی رایگان در وبسایت

www.ImmigrationDoor.com



بندر قدیمی مونترال که روزگاری قلب تپنده اقتصادی شهر بود، امروزه به مرکزی فرهنگی تبدیل شده که تابستان‌ها پذیرای رویدادهای رایگان فراوانی است.



کسب اطلاعات بیشتر

عکس: پوریا ناظمی



به مناسبت سالروز انتصاب نخستین فرماندار کل زن در کانادا

رویای پدر، سرنوشت دختر

زمان: ۱۴ می ۱۹۸۴

مکان: اتاوا، ساختمان پارلمان

مریم ایرانی روزی که ژان-ماتیلد سووه-Jeanne-Ma

thilde Sauvé کوچک به همراه پدرش

قدم‌زنان به ساختمان پارلمان در اتاوا نزدیک می‌شدند، هیچ‌یک تصویری از آینده و نقش خود در آن نداشتند. پدر ژان-ماتیلد، یک پیمانکار ساختمان بود و مثل همه پدرهای دیگر دنیا برای دخترش آرزوهای بزرگی در ذهن داشت و می‌خواست که او باعث افتخارش باشد. در حالی که دست کوچک ژان-ماتیلد را در دست می‌فشرد مجسمه آگنس مک فیل Agnes Mac-

phail نخستین عضو زن

مجلس نمایندگان کانادا

را به دخترش نشان

داد و گفت: «تو هم اگر

بخواهی، می‌توانی یک

روز مانند آگنس وارد

پارلمان کانادا شوی».

پدر ژان-ماتیلد اصلاً فکرش

را هم نمی‌کرد روزی

رویای پدرانه‌اش درباره

این دختر کوچک به

چیزی فراتر از یک آرزو

تبدیل شود. دختری که

بعدها نخستین فرماندار

زن کانادا می‌شد.



در مسیر رویاها

ژان-ماتیلد با اینکه متولد ساسکاچوان بود ولی در اتاوا به مدرسه ابتدایی رفت. او خیلی زود توانست در کلاس خودش سرپرست بچه‌های دیگر شود. روحیه بالای مدیریتی او از همان ابتدای کودکی کاملاً مشهود بود. او برای ادامه تحصیل به دانشگاه اتاوا رفت. از آنجایی که خانواده او بسیار پرجمعیت بودند و توان پرداخت هزینه‌های دانشگاهش را نداشتند، ژان-ماتیلد تصمیم گرفت که به طور نیمه وقت کار کند. کاری که پیدا کرد، مترجمی برای فرماندار کانادا بود. چند سال بعد او برای کار ژان-ماتیلد باید به شهر مونترال سفر می‌کرد. جایی که او همسر آینده خود موریس سووه را ملاقات و با او ازدواج کرد. ۴ سال بعد از این ازدواج، همسرش برای ادامه تحصیلات به لندن سفر کرد تا در مدرسه اقتصاد به تحصیل مشغول شود. بعد از گذراندن این مدت زن و شوهر جوان با هم به پاریس رفتند. در آنجا ژان ماتیلد فرصتی پیدا کرد تا در یونسکو به عنوان یکی از مسئولان بخش شاخه جوانان کار کند. این شغل به او جسارت داد تا با توجه به تسلطی که در مدت زندگی و کار در مونترال به زبان فرانسه پیدا کرده بود، در دانشگاه سوربن روی مطالعات فرهنگی فرانسوی تحقیق کند. سال ۱۹۵۲ ژان-ماتیلد و همسرش به کانادا و شهر مونترال بازگشتند.



فرماندار آینده، روزنامه‌نگار و مجری تلویزیون سی‌بی‌سی می‌شود!

این بار ژان-ماتیلد که حالا یک پسر هفت ساله به نام ژان-فرانسوا داشت، تصمیم گرفت با توجه به تجربیات و مطالعاتش به عنوان روزنامه‌نگار در رادیو کانادا مشغول شود. نخستین برنامه تلویزیونی او با نام Fémina در شبکه تلویزیونی سی‌بی‌سی به سرعت مشهور شد. تسلط ژان-ماتیلد به هر دو زبان انگلیسی و فرانسه یکی از قدرتمندترین ابزارهای او بود. او همچنین سال‌ها برنامه‌ای تلویزیونی به نام Opinions را اجرا می‌کرد که یکی از محبوب‌ترین برنامه‌های تلویزیونی مورد علاقه جوانان در تمام مدت هفت سال اجرای زنده آن در شبکه سی‌بی‌سی به شمار می‌رفت. او در این برنامه به موضوعات بحث‌برانگیز و چالشی روز مثل روابط جنسی نامتعارف، اعتیاد و مشکلات بین نسل جوان و والدین می‌پرداخت. این برنامه ژان-ماتیلد را به چهره بسیار سرشناسی در کانادا تبدیل کرد.

در خلال همین سال‌های روزنامه‌نگاری بود که پای ژان-ماتیلد کم‌کم به عرصه سیاست هم گشوده شد. البته ناگفته نماند که قبل از این شوهر ژان-ماتیلد یک پست سیاسی مهم را بر عهده داشت و بسیاری کار کردن مطبوعاتی و تلویزیونی او را یک رسوایی برای شوهرش می‌دانستند. ولی برای زنی که در مسیر رویاهایش حرکت می‌کند این چیزها مفهومی ندارد.





رویاری با چالش‌های سیاسی

تجربه فعالیت‌های اجتماعی و سابقه و شهرت ژان-ماتیلد به عنوان مفسر سیاسی و اجتماعی، باعث شدند تا او از طرف حزب لیبرال کانادا برای انتخابات پارلمان فدرال از استان کبک کاندید شود. او انتخاب شد و در دولت پییر ترودو (پدر جاستین ترودو، نخست‌وزیر فعلی کانادا) توانست نخستین زن کبکی شود که وزارت علوم و فناوری و نیز ارتباطات را به عهده گرفت. او مدتی هم سخنگوی پییر ترودو بود و در رفراندوم مشهور کبک برای جدایی از کانادا در سال ۱۹۸۰ یکی از مخالفین بزرگ جدایی و نماینده دولت فدرال در انتخابات بود. او همواره به اصل اتحاد ملی برای تمام کانادا اعتقاد داشت.

خانم فرماندار

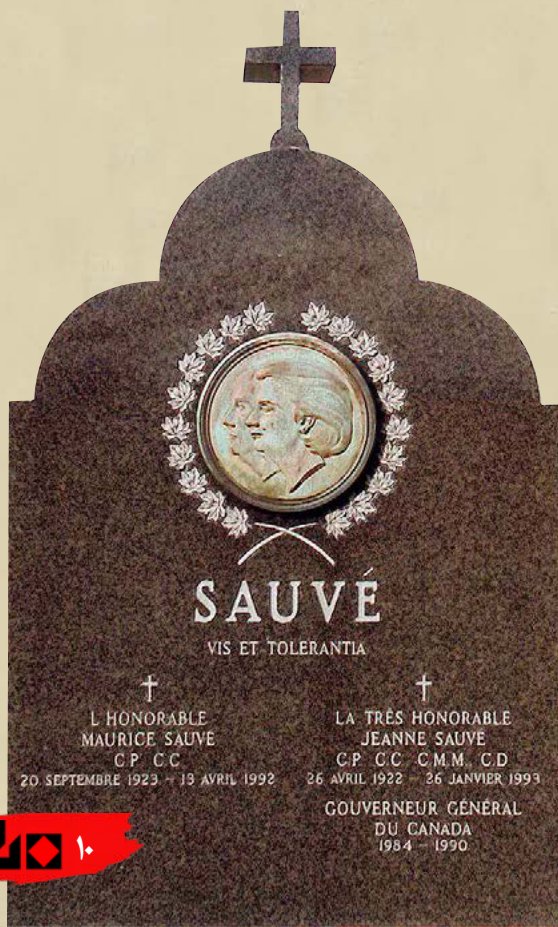
در دسامبر ۱۹۸۳، پییر ترودو اعلام کرد که ژان-ماتیلد را برای تصدی مقام فرمانداری کل کانادا به ملکه الیزابت دوم معرفی کرده است. فرماندار کل کانادا، نماینده ملکه الیزابت و پادشاهی در کانادا است. در مطبوعات داخلی بازتاب این اتفاق به دلیل شهرت خوب و سابقه کاری روشن و دو زبانه بودن ژان-ماتیلد بسیار مثبت بود. در ژانویه همان سال به دلیل بروز عارضه‌ای که احتمال داده می‌شد سرطان غدد لنفاوی است در بیمارستان بستری شد. حالش که بهتر شد مراسم تحلیف برگزار شد و حالا او نخستین فرماندار زن کانادا بود. ژان-ماتیلد با اینکه همیشه برای ملکه احترام قائل بود ولی به دلیل عقاید جمهوری خواهانه‌اش همیشه از طرف سلطنت طلبان مورد انتقاد قرار می‌گرفت.

تاسیس بنیاد سووه در دانشگاه مک گیل

ژان-ماتیلد برای اینکه به جوانان با استعداد در عرصه سیاست و رهبری فرصت بدهد دو جایزه مالی تعیین کرد و برای این کار یک کرسی ویژه با نام بنیاد سووه در دانشگاه مک‌گیل تاسیس نمود که از ۴۴ کشور دنیا به جوانان بورس اهدا می‌کند. پسرش ژان-فرانسوا، هم اکنون ریاست این بنیاد را بر عهده دارد.

همچنین او یک لیگ جهانی قهرمانی برای ورزشکاران زن در رشته هاکی تاسیس کرد که جایزه ویژه آن برای زنان ورزشکار آماتوری بود که کمترین میزان خشونت را در بازی‌ها از خود نشان می‌دادند. ژان ماتیلد در نهایت به فاصله یک سال از همسرش فوت کرد و در گورستان کت‌دنژ به خاک سپرده شد.

دولت کانادا یک سال بعد از مرگ او، در سال ۱۹۹۳ تمبر یادبودی به افتخار نخستین خانمی که فرماندار کل کانادا شد، منتشر کرد.



Dr. Mitra Babak

Specialist Consultant
Psychotherapist
Researcher



دکتر میترا بابک

مشکلات در مهاجرت چیست و چگونه میتوان با آن مقابله اصولی کرد

Back to Montreal for one night only

MONTREAL THURSDAY MAY 17th

6:45 PM to 9:45 PM

Seena Cultural Centre

6528 St-Jacques, Montreal QC H4 B 1T6. FREE PARKING

پنجشنبه ۱۷ می

آیا در مهاجرت از خانه و کاشانه خود دچار گمگشتگی، بیماریهای فیزیکی و یا روحی روانی شدید؟
آیا نگران آینده خود و یا فرزندانانتان هستید؟
در این سمینار دکتر میترا بابک به تمام جوانب "مهاجرت" نگاه و راهکار اصولی پیدا خواهیم کرد.

Tickets:

Tapesh Digital

DigitalzoneCanada.com

Tel: 514-488-3000 / 514-241-4548

613-292-6181

Registration Fee:

Students & Under 21: 20\$

General admission : 30\$

گلریزان برای کمک به قربانیان خشونت خانگی

پناهگاه «آتنا» شنبه آینده، ۲۶ می، جشن «لیلاس» که گلریزانی برای جمع‌آوری کمک مالی به منظور ساخت مجموعه جدید اسکان قربانیان خشونت خانگی است، برگزار خواهد کرد.

«آتنا» طی ۸ سال فعالیت غیرانتفاعی این مجموعه تعداد زیادی قربانی مخصوصاً خانم‌ها و کودکان در مراکز اسکان این مجموعه پناه گرفته‌اند. اما مجموعه‌های اقامتی «آتنا» محدود است و به همین خاطر نمی‌توانند از قربانیان برای مدت طولانی

JOIGNEZ-VOUS À NOUS
POUR LE LANCÉMENT DE NOTRE
CAMPAGNE DE SOUSCRIPTION 2018-2019

JOIN US TO LAUNCH OUR
2018-2019 MEMBERSHIP CAMPAIGN

SAMEDI LE 26 MAI 2018
SATURDAY MAY 26, 2018

CENTRE DE CONGRÈS PALACE
1717 BOULEVARD LE CORBUSIER, LAVAL, QC H7S 2K7

BILLETS / TICKETS: 175\$
RÉSERVEZ MAINTENANT / RESERVE NOW
514-274-8117

INCLUANT: COCKTAIL, DÎNER, DANSE, DIVERTISSEMENT
INCLUDES: COCKTAIL, DINNER, DANCING, ENTERTAINMENT

 **BOUCLIER D'ATHÉNA**
SERVICES FAMILIAUX

L'ÉVÉNEMENT
LILAS
LILAC EVENT

Garantido Zouze, Marmã, Vibrante Orchid, 2014. Technic, ac, m, etc.

نگهداری کنند، مدت طولانی یعنی تا جایی که بتوانند زندگی مستقل خود را تشکیل و اداره کنند. به همین دلیل مخصوصاً زنانی که قربانی خشونت شده‌اند بعد از مدتی مجدداً به همان شرایط قبلی رضایت داده و به خانه ناامن خود بازمی‌گردند.

حالا قرار است یک مجموعه اسکان وسیع و مجهز در لاوال ساخته شود تا ضمن اسکان قربانیان خشونت، از کودکان آنها نیز نگهداری شود و به آنها زبان و کار آموزش داده شود تا بتوانند روی پای خود بایستند.

در جشن «لیلاس» پذیرایی، رقص، موزیک، قرعه‌کشی، حراج آثار هنری و رویدادهای هیجان‌انگیز دیگری انتظار میهمانان را می‌کشد.

پول جمع‌آوری شده در این جشن صرف ساخت و تجهیز مجتمع اقامتی جدید در لاوال خواهد شد. برای خرید بلیت یا ارسال کمک مالی با شماره ۵۱۴۲۷۴۸۱۱۷ تماس بگیرید.



تلاش برای نمایش مجموعه مستند «کارستان» در مونترال

یکشنبه هفته گذشته اعضای «انجمن زنان ایرانی مونترال» در جلسه ماهیانه خود به تماشای فیلم مستند «شاعران زندگی» از مجموعه مستند «کارستان» نشستند. پس از پایان فیلم، اعضای انجمن که تحت تأثیر کار انجام شده در تهیه این مستند قرار گرفته بودند، تصمیم گرفتند تا با همکاری نهادهای مربوطه زمینه نمایش مداوم سایر قسمت‌های این مجموعه را در مونترال فراهم آورند.

مجموعه مستند «کارستان» نتیجه سالها کار، پژوهش و تلاش جمعی از هنرمندان ایرانی از جمله رخشان بنی اعتماد و مجتبی میرطهماسب است. تا به امروز شش قسمت از این مجموعه در قالب سینمای خانگی در ایران عرضه شده است. این در حالیست که این مجموعه در حال حاضر با حضور عوامل آن در کشورهای مختلف در حال نمایش است. هدف این هنرمندان با معرفی کارآفرینان موفق ایرانی به جامعه، ایجاد انگیزه و امید است.



همایون شجریان برای مونترال می خواند

همایون شجریان، خواننده محبوب موسیقی سنتی ایرانی و برادران پورناظری، تور کنسرت کانادای خود را شنبه، ۱۹ می، با خواندن و نواختن برای مونترالی‌ها آغاز خواهند کرد. آن‌ها بعد از مونترال به تورنتو، ونکوور و کلگری هم برنامه اجرا خواهند کرد.

انتظار می‌رود همایون شجریان در مونترال قطعاتی از آلبوم جدید «ایران من» را اجرا کند که به تازگی با آهنگسازی سهراب و تهمورس پورناظری ساخته است. در این آلبوم که پس از آلبوم‌های موفق «خداوندان اسرار»، «نه فرشته‌ام، نه شیطان» و «رگ خواب» تازه‌ترین همکاری همایون شجریان و برادران پورناظری محسوب می‌شود تعدادی از نوازندگان مطرح موسیقی ایران و تعدادی نوازنده خارجی نیز حضور دارند. بخش‌هایی از آلبوم در ترکیه و آمریکا ضبط شده است.



TAR PRODUCTION
PROUDLY PRESENTS

**HOMAYOUN SHAJARIAN
TAHMOURES & SOHRAB POURNAZERI**

MONTREAL
PALAIS DES CONGRES

19 MAY 2018

نوجوانان ایرانی بر اوپسیمو ۲۰۱۸ را با نوای پیانوی خود به وجد در آوردند

کنکور موزیک براویسیمو ۲۰۱۸ روز یکشنبه ۶ می در شهر لاپری، همسایه جنوبی مونترال برگزار شد که در طی آن مخصوصا پیانیست‌های کودک و نوجوان ایرانی خوش درخشیدند. در این کنکور حدود ۱۲۰۰ هنرجوی موسیقی شرکت کرده بودند که بیشترین رقابت با تعداد ۷۵۰ نفر در بخش نوازندگی پیانو بود.

هلیا عارفی دوست موسیقی‌دان و معلم پیانو در گفتگو با «مداد» ضمن تشویق این کودکان و نوجوانان درخشش آن‌ها را مدیون کار تیمی بین مربی، هنرآموز و والدین دانست.

اسامی برندگان پیانوی این کنکور به شرح زیر است:
آرشام قاسمی برنده دو مدال طلا، دو نشان افتخار و چک ۱۰۰ دلاری برای دو اجرای تحسین‌برانگیز نزد هیئت داوران، بهراد بکائیان برنده دو مدال طلا و یک نشان افتخار، کامیار رفعتی برنده دو مدال طلا و یک نشان افتخار، دیانا حیدری برنده یک مدال طلا همراه با نشان افتخار و چک ۵۰ دلاری برای اجرای تحسین‌برانگیز نزد هیئت داوران، نیکا رجبی برنده دو مدال طلا و چک ۱۰۰ دلاری برای دو اجرای تحسین‌برانگیز نزد هیئت داوران، پرهام بهزاد برنده



دو مدال طلا، هلیا عزیزی برنده دو مدال طلا، تینا
 شقائی فلاح برنده دو مدال طلا، آنینا کاوش برنده
 دو مدال طلا، آتریسا یوسفی برنده دو مدال طلا،
 هلیا داوری برنده دو مدال طلا، درنا زند برنده دو
 مدال طلا، سام هدایتی برنده دو مدال طلا، آبتین
 عطائی برنده دو مدال طلا، آنوشا بهمن پور برنده
 دو مدال طلا، آروین عبدالهیان برنده یک مدال
 طلا، رایان احمدی برنده یک مدال طلا، سپهر
 بهرامی برنده یک مدال طلا، ارشان ملتشاهی
 برنده یک مدال طلا، سمر اسماعیلی برنده یک
 مدال طلا و یک مدال نقره، تینا اثناعشری برنده
 دو مدال نقره، کیمیا زرین برنده دو مدال نقره،
 کیارش شریفی برنده یک مدال نقره، هانا شقائی
 فلاح برنده یک مدال نقره، ارشیا بخشی برنده
 یک مدال نقره، کاتیا افروغ برنده یک مدال نقره و
 رامان احمدی برنده یک مدال برنز
 «مداد» برای همه این هنرمندان آرزوی آینده‌ای
 درخشان دارد.



> درنا زند برنده دو مدال طلا
 در کنکور موزیک براویسیمو ۲۰۱۸



روز مادر

می‌گویند آنا ماری جارویس آمریکایی در سال ۱۹۰۸ و سه سال بعد از مرگ مادرش که زندگی سختی را تجربه کرده بود، تصمیم گرفت هر سال روز فوت او را به افتخار احترام و محبتی که برای مادرش قائل بود، جشن بگیرد و از آنجایی که این خانم یک فعال اجتماعی معروف بود، کم‌کم روش او به سیاق جامعه تبدیل شد تا جاییکه چند سال بعد کنگره آمریکا این روز را به رسمیت شناخت و قرار شد دومین یک‌شنبه ماه می به افتخار مادران جشن گرفته شود.

ما هم در کانادا این رسم محبوب را به تبعیت از همسایه جنوبی، آمریکا، انجام می‌دهیم.

کانادایی‌ها هم مثل همه ملت‌های دنیا در این روز به خصوص برای مادران هدیه می‌خرند، یک روز از کار معافشان می‌کنند و بقیه اعضای خانه وظایف آن‌ها را بر عهده می‌گیرند و تلاش می‌کنند تا برنامه تفریحی مناسبی برای روز یک‌شنبه آن‌ها تدارک ببینند.

در کانادا این فقط مادران نیستند که در این یک‌شنبه زیبا هدیه می‌گیرند. خیلی‌ها که در زندگی شما نقش مادرانه داشته‌اند می‌توانند در این روز مورد محبت شما قرار گیرند، خواه معلم مدرسه باشد و خواه همسایه یا حتی یک رئیس مهربان در محل کار.

Happy Mother's Day

MOTHERS hold their child's hand for a moment
and their heart for a LIFETIME...



سرانجام «برجام»

شهرام یزدان‌پناه **دوشنبه هفته گذشته دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پروسو صدای آمریکا به وعده انتخاباتی عمل کرد و آمریکا را از برجام خارج نمود. قدرت اقتصادی آمریکا آنقدر بزرگ و تاثیرگذار هست که همه دنیا تحریم‌های یکجانبه احتمالی این کشور را جدی بگیرند. تصمیم ترامپ برای خروج از برجام و افزایش فشار بر ایران به منظور مجبور کردن این کشور به نشستن دوباره سر میز مذاکره هرچند از زمان انتخابات سال ۲۰۱۶ گرفته شده بود اما تا رسیدن به اعلام نهایی آن راهی طولانی را طی کرد. راهی که در طی آن مذاکرات پشت پرده فراوانی با سران کشورهای گروه ۵ انجام شد. از فرانسه و آلمان تا انگلستان اما در نهایت همگی تقریباً با تصمیم ترامپ مخالفت کردند.**



کانادا چه می گوید؟

کانادا تقریباً بلافاصله بعد از اعلام تصمیم ترامپ اعلام موضع کرد و از تصمیم اتخاذ شده انتقاد نمود.

کریستیا فریلند، وزیر امور خارجه، روز بعد از اعلام تصمیم ترامپ اطلاعیه‌ای صادر کرد و عدم رضایت کانادا از خروج آمریکا از برجام را اعلام و به همکاری کانادا با شرکای خود جهت اطمینان از امنیت جهانی و منطقه‌ای تاکید کرد. اما او صحبت را به همینجا تمام نکرد و سعی کرد حالا که یکی به نعل کوبیده، یکی هم به میخ بکوبد. او بلافاصله در پیام توئیتریش به تعهد کانادا جهت پاسخگو نگه داشتن ایران درباره حقوق بشر اشاره کرد و اعلام نمود کانادا به تلاش برای بازگرداندن مریم ممبینی به کشور ادامه می‌دهد. مریم ممبینی، همسر کاووس سیدامامی است که اوایل امسال در داخل زندان فوت کرد. خیلی‌ها فوت او را مشکوک اعلام کردند و حتی در مجلس ایران هم انتقاداتی را برانگیخت اما مسئولان زندان فوت او را خودکشی اعلام نمودند. همسر سیدامامی بعد از آن تلاش‌هایی برای روشن شدن ماجرا انجام داد که در نهایت باعث ممنوع‌الخروجی او از ایران شد.

در این میان استفان هارپر، نخست‌وزیر پیشین کانادا از حزب محافظه‌کار و جان هووارد، نخست‌وزیر پیشین استرالیا مشترکاً یادداشتی برای نیویورک تایمز فرستادند و با تیت درشت نوشتند: «آقای رئیس‌جمهور، شما درباره ایران درست می‌گویید»



آن‌ها ادامه دادند: «ایران تهدیدی برای ما، هم‌پیمانان ما و آزادی است. ما در این تصمیم در کنار شما می‌ایستیم تا به این طرح خطرناک درباره ایران پایان دهیم و هرگونه قدمی که لازم است تا جلوی اتمی شدن ایران را گرفت، برداریم.»

آن‌ها در پایان فرصت را غنیمت شمردند تا حرف دلشان را درباره رهبران قبلی بزنند که به توصیه آن‌ها گوش نکرده بودند و مقدمات این توافق را فراهم آوردند. توافقی که به نظر آن‌ها کار نکرد و شکست خورد.

پاسخ وزارت خارجه کانادا به سؤال «مداد»

وزارت خارجه کانادا در پاسخ به سؤال «مداد» درباره کسب جزئیات بیشتر از رویکرد و عمل‌کرد دولت کانادا در ادامه برجام پاسخی را ارسال کرد که متن آن به این شرح است:

«کانادا به حمایت خود از برجام ادامه خواهد داد. کانادا از مشارکت قانون‌مندان بین‌المللی در جهت حل مشکلات بین‌المللی حمایت می‌کند و معتقد است برجام ابزار مناسبی برای ممانعت از اتمی شدن ایران است و به امنیت منطقه و جهان کمک می‌کند.

به ایران نباید اجازه داده شود سلاح اتمی تولید کند. برجام فعالیت اتمی ایران را در سطحی قابل قبول و قابل پیش‌بینی محدود کرده بود

که توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نظارت می‌شد. ما قبول داریم که توافق هسته‌ای با ایران که در سال ۲۰۱۵ تصویب و به تأیید شورای امنیت سازمان ملل رسید، عالی و کامل نیست اما همین توافق



توانسته یک تهدید بین‌المللی درباره صلح و امنیت جهانی را محدود و کنترل کند.

دو هفته پیش در نشست وزرای امور خارجه G7 همه کشورها توافق کردند که: ما خودمان را متعهد می‌دانیم تا همواره اطمینان حاصل کنیم که فعالیت هسته‌ای ایران صلح‌آمیز و در چهارچوب برجام باقی خواهد ماند.

کانادا متأسف است که آمریکا با وجود تأکید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر متعهد ماندن ایران به چهارچوب برجام، تصمیم گرفته از این معاهده خارج شود هرچند کانادا تلاش مداوم ایران برای توسعه موشک‌های بالستیک و پرتاب آن‌ها را محکوم می‌کند چراکه این آزمایشات منطقه را ناپایدار می‌کند. به همین دلیل کانادا به ادامه تحریم‌هایی که برنامه موشکی ایران را هدف گرفته، ادامه می‌دهد.

ما همچنین به مخالفت خود با حمایت ایران از گروه‌های تروریستی، تهدید اسرائیل و حمایت از رژیم اسد در سوریه ادامه می‌دهیم. ما در این زمینه به همکاری با هم‌پیمانانمان برای پاسخگو نگه داشتن ایران ادامه می‌دهیم.

صرفاً به عنوان یک مدرک که نشان از تعهد کانادا بر ادامه همکاری بین‌المللی در برجام دارد اشاره می‌کنیم که کانادا به منظور تسهیل امور اجرایی برجام به شکل داوطلبانه ۵/۱۱ میلیون دلار کمک مالی کرده است.

پاسخ ایران

پاسخ ایران به این موضوع را باید از دو دیدگاه خوراک داخلی و تلاش جهانی دید. حرکت‌هایی مثل آتش زدن برجام یا پرچم آمریکا در داخل مجلس ایران را بیشتر می‌توان خوراک داخلی برای تقویت روحیه ناامید اما سفرهای فشرده این روزهای محمدجواد ظریف به پکن، مسکو و بروکسل تلاش‌های دیپلماتیکی هستند که با تبادل آتش بین ایران و اسرائیل در روزهای اخیر در داخل خاک سوریه دچار دست‌انداز شد.

اسرائیل ایران را متهم به موشک‌پرانی از پایگاه‌های خود به طرف این کشور کرد و در پاسخ گسترده‌ترین حملات چند سال اخیر را به خاک سوریه نمود. حملاتی که به گفته منابع اسرائیلی پایگاه‌های نظامی ایران در داخل خاک سوریه را هدف گرفتند. تهران اما ادعای تل‌آویو را رد کرد و آن‌ها را بی‌اساس خواند.

آینده

این روزها صحبت کردن درباره آینده برجام یک گوی پیشگویی لازم دارد. از یک طرف ترامپ معتقد است می‌توان با اعمال مجدد تحریم‌ها، تهران را دوباره پای میز مذاکره کشاند و اینبار تکلیف دنیا با خیلی مسائل از جمله برنامه موشکی تهران و حمایت ایران از گروه‌هایی که غرب آن‌ها را تروریست و ایران آن‌ها را جهادگر می‌خواند را برای همیشه یک‌سره کرد. در بیانیه کانادا هم مشخص است که موضوع حقوق بشر، آزادی‌های سیاسی و بسیاری دیگر از مشکلات دنیای غرب با حکومت ایران قرار است سر این میز آورده شود. از آن طرف ایران می‌داند که نشستن سر این میز به مفهوم دست برداشتن از اصول بسیاری است که سال‌ها برای حفظ آن‌ها تلاش کرده است و این به گونه‌ای پایان یک دوران محسوب می‌شود.

در این میان مشخص نیست که ایران چقدر می‌تواند روی صحبت‌های خوشایند این روزهای سران کشورهای مثل آلمان، فرانسه، انگلستان و کانادا حساب باز کند. باید منتظر نشست و امید داشت این بازی جدید، ختم به خیر شود.



زرافه‌ها از آفریقا می‌آیند!

آزاده مقدم

صبح سه‌شنبه بود، معلم گفت حواست به کلاس نیست، رفت و گفت روز دیگری می‌آید. راه افتادم توی خیابان‌های مونترال، رفتم مرکز شهر. از آن روزهایی بود که هیچ نسبتی با مردم شهر نداشتم، از آن روزها که من غریبه این شهر بودم! رسیدم کتابخانه ایرانی‌ها، صدای سخنرانی آقای پرزیدنت می‌آمد و مترجمی که صدایش پشت صدای او می‌دوید تا عقب نماند.

به دوستم گفتم سخت شد، شاید هم سخت‌تر شد. بیرون که آمدم باز غریبه بودم. دلم می‌خواست جلوی آدم‌ها را بگیرم و بگویم می‌دانید امروز برای کشور من روز سختی‌ست! می‌دانید ما و مردمان داریم خرید و فروش می‌شویم بین دولتمردان و قدرت‌طلبان. دلم می‌خواست توی پله‌ها بنشینم، مردم را نگاه کنم و مثل دائم‌الخمرهای خیابان



سن‌کترین بلندبلند قصه غم‌م را غرغره کنم. حتی دیگر نای فریاد هم نداشتم. از آن روزهای بی در کجایی بود. رفتم توی مغازه، گرم‌های صورت را امتحان کردم و ماتیک قرمز مالیدم به لبم. جلو اولین آینه که ایستادم، دیدم همه چیز چقدر مضحک است. چرخیدم طرف آینه‌ای دیگر، کمی بهتر شد، به زندگی شبیه‌تر بود همه چیز!

آمدم بیرون و باز راه افتادم توی خیابان. به این همه قدرت آقای ابرقدرت فکر کردم، به قیمت‌ها، دارو، نفت، زندگی روزمره، دو خواهرم در کشور همسایه، مادرم در ایران و به زندگی که همیشه ادامه دارد که حتی نیم‌نگاهی هم به ما نمی‌اندازد. به دربند و کافه‌ها و غم‌ها و شادی‌هایی که از فردا باز از سر گرفته خواهد شد و به مثال معروف مادر بزرگم که همیشه می‌گفت بنی‌آدم، بنی‌عادتند. به همه و همه فکر کردم. یاد عکس عروس و دامادی افتادم که در میان ویرانه‌های سوریه ایستاده بودند تا امید را قسمت کنند!

عصر بود، به پسرک که رسیدم دیدم هیچ قصه‌ای ندارم
برایش! پرسیدم امروز چی یاد گرفتی؟ گفت اسم حیوان‌های قاره آفریقا را، میدانستی زرافه مال آفریقاست؟ یادم آمد جایی خوانده بودم زرافه‌ها برای اینکه قدشان به برگ‌ها برسد گردنشان دراز و درازتر شده!



بهاری شدن هوا و دردسر آلرژی فصلی

مهرنوش اردلان یکتا
 بسیاری از ما با گرم‌تر شدن هوا در بهار، از شکوفه‌دادن و جوانه‌زدن درختان لذت می‌بریم. اما کم نیستند افرادی که با شروع گرمای بهار، نشانه‌هایی مانند آب‌ریزش از بینی و اشک‌ریزش مداوم را تجربه می‌کنند و بیشتر از این که از زیبایی بهار لذت ببرند به دنبال رهایی از این علایم هستند. این افراد مبتلا به آلرژی فصلی یا به اصطلاح تب یونجه (Hay fever) هستند. شاید برای شما هم جالب باشد که بدانید ۲۰ تا ۳۰ درصد از کانادایی‌ها از نوعی از آلرژی فصلی رنج می‌برند. زمان شروع این بیماری در موقعیت‌های مختلف جغرافیایی به دلیل تنوع آب و هوایی و تفاوت در زمان شروع گرمای بهاری متفاوت است و در کانادا بسته به محل اقامت می‌تواند از اواخر مارس تا ماه ژوئن ادامه داشته باشد. علت اصلی این بیماری واکنش سیستم ایمنی بدن به گرده‌های درختان، گل‌ها، چمن و علف‌هاست که به منظور گرده‌افشانی در این موقع از سال در هوا پخش می‌شوند.



سیستم ایمنی بدن این گرده‌های ریز را به عنوان جسم خارجی و خطرناک در نظر می‌گیرد و شروع به دفاع از بدن می‌کند که طی آن نشانه‌های بیماری ایجاد می‌شود. این نوع آلرژی نیز مانند سایر آلرژی‌ها می‌تواند زمینه ژنتیکی داشته باشد و وراثت در آن نقش دارد.

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که گاهی علائم از بزرگسالی شروع می‌شود. به خصوص در مهاجران که با تغییر محل زندگی و قرار گرفتن در محیط جدید که پوشش گیاهی متفاوتی دارد، آلرژی فصلی می‌تواند بیشتر دیده شود.

نشانه‌های بیماری

نشانه‌های بیماری شامل: التهاب بینی و آبریزش / قرمزی، پف، خارش و اشک‌ریزش چشم‌ها / عطسه / سرفه / خارش بینی، سقف دهان یا گلو / تورم و تیره شدن زیر چشم‌ها / ترشحات پشت حلقی / خستگی و در موارد حساسیت شدید علائمی مانند تنگی نفس / قرمز شدن صورت و خس خس سینه هستند. این نشانه‌ها می‌توانند بسته به شدت بیماری و یا طول مدت مواجهه با عامل آلرژی و یا سن، شدید یا خفیف باشند.

راه‌های پیشگیری و درمان

راه‌های مختلفی برای کاهش نشانه‌های بیماری وجود دارد و از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

• میزان گرده‌ها در روز و روزهای مختلف بسته به درجه حرارت و میزان رطوبت هوا متغیر است، در وبسایت‌های هواشناسی یا National Allergy Bureau می‌توان از میزان آن‌ها آگاه شد و در روزهایی که میزان گرده‌ها بالا گزارش می‌شود، بهتر است



ساعات کمتری را در محیط بیرون گذرانند. به طور معمول میزان گرده‌های درختان صبح‌ها بیشترین مقدار است، بر این اساس مناسب است گردش و قدم‌زدن عصرگاهی را جایگزین صبح کرد.

- زمانی که در بیرون از خانه پیاده‌روی می‌کنید مقدار بسیار زیادی گرده بر روی پوست بدن و لباس‌ها می‌نشینند. بعد از رسیدن به منزل بلافاصله لباس‌های خود را تعویض کنید، کفش‌ها را درآورید و دست و صورت خود را بشوید.
- پنجره‌ها را در زمانی که میزان گرده‌ها بیشتر است، ببندید.
- از خشک کردن لباس‌های شسته شده در هوای آزاد پرهیز و از ماشین خشک‌کن استفاده کنید.
- فیلتر HEPA در دستگاه‌های تهویه هوای منزل یا بر روی جاروبرقی نصب کنید.
- در زمان کوتاه‌کردن چمن‌ها، به خصوص در روزهای پرگرده از ماسک NOISH 95 - که در ابزارفروشی‌ها موجود است - استفاده کنید.
- هنگامی که سوار ماشین هستید پنجره‌ها را بسته نگه دارید و از دستگاه تهویه هوای ماشین استفاده کنید.

یکی از روش‌های ساده ولی موثر در کاهش نشانه‌های آلرژی، شستن داخل بینی با محلول آب‌نمک است تا گرده‌ها را از داخل مجرای بینی پاک کند.

در موارد خفیف می‌توان از بعضی از آنتی‌هیستامین‌هایی که نیاز به نسخه پزشک ندارند مانند سیتیریزین با نام تجاری Zyrtec Allergy یا لوراتادین با نام تجاری Claritin برای کاهش نشانه‌ها به طور موقت برای ۲۴ ساعت استفاده کنید.



گروه‌های دیگر دارویی نیز شامل دکونژستان‌ها و اسپری‌های کورتونی بینی در درمان آلرژی فصلی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

یکی از روش‌های درمانی جدیدتر، به خصوص زمانی که بیمار به دیگر درمان‌ها پاسخ نمی‌دهد، ایمونوتراپی است. به این صورت که آمپول‌هایی حاوی مقدار بسیار کم ماده آلرژی‌زا را به فرد در فواصل معین تزریق می‌کنند تا از بدن فرد حساسیت‌زدایی شود و این درمان حدود سه تا پنج سال به طول می‌انجامد.

تب یونجه در مواردی می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات دیگری باشد مانند اختلال خواب که نشانه‌های بیماری در به خواب رفتن تداخل می‌کند و فرد را از خواب بیدار می‌کند، بدتر شدن آسم - تب یونجه می‌تواند علائم آسم را در صورت هم‌زمانی بدتر کند -، سینوزیت (التهاب طولانی مدت سینوس‌ها به دلیل آلرژی فرد را مستعد سینوزیت می‌کند) و عفونت گوش در بچه‌ها که یکی از عوامل ایجاد عفونت گوش میانی، آلرژی فصلی است. چنانچه فکر می‌کنید به آلرژی فصلی مبتلا هستید، جهت شناسایی علت آلرژی و بررسی میزان شدت بیماری و تلاش برای کنترل علائم بیماری با پزشک خود مشورت کنید.



از دکتر بپرسید!

مهرنوش اردلان یکتا سال‌ها در ایران طبابت کرده و حالا اینجا در مونترال تلاش دارد با روزنامه‌نگاری، تجربیات خود را در اختیار شما قرار دهد. او پاسخگوی سؤالات شما در حوزه سلامتی خواهد بود. این پاسخ‌ها صرفاً جنبه اطلاع‌رسانی دارد. برای هرگونه درمانی باید به پزشک خود مراجعه کنید.

سؤالات پزشکی خود را به آدرس زیر ارسال کنید:

info@medad.ca

پدرم ماه گذشته در مفصل انگشت شست پای راست احساس درد می‌کردند که پزشک تشخیص داد ایشان دچار نقرس هستند. خوشبختانه ایشان در حال حاضر مشکلی ندارند اما برای جلوگیری از بازگشت بیماری چه رژیم غذایی را پیشنهاد می‌کنید؟

با سلام، رژیم غذایی که برای این بیماری توصیه می‌شود، رژیمی است که مقدار اسید اوریک خون را کاهش دهد و از جمله شامل موارد زیر است:

- اجتناب از مصرف گوشت قرمز و محدود کردن پروتئین به میزان کمتر از ۱۷۰ گرم روزانه؛

- پرهیز از مصرف مواد غذایی مانند جگر، قلوه و غذاهای دریایی شامل ماهی قزل‌آلا، ساردین، هذوک و ماهی تن که پورین بالایی دارند؛

- استفاده از میوه و سبزی فراوان در رژیم غذایی روزانه؛
- محدود کردن مصرف الکل به میزان کمتر از ۱۴ واحد در هفته - هر گیلاس شراب معمولی ۲,۱ واحد محسوب می‌شود - به صورتی که ۳ روز در هفته الکل مصرف نشود؛

- نوشیدن ۲ لیتر آب در روز، چنانچه بیماری محدود کننده مصرف آب نداشته باشند؛

- استفاده از لبنیات کم‌چربی یا شیر خامه گرفته (Skimmed milk)؛

- محدود کردن مصرف اسنک‌ها و نوشیدنی‌های شیرین.

همینطور توصیه می‌شود که فعالیت‌های منظم ورزشی مانند پیاده‌روی را در برنامه روزانه خود داشته باشند.



راز ۵۰۰ ساله برج کج پیزا

اسم «برج کج پیزا» که حتماً به گوشتان خورده است. این بنای قدیمی و عجیب، یکی از مشهورترین جاذبه‌های توریستی دنیاست که در کشور ایتالیا قرار دارد و هرساله گردشگران زیادی را جلب خودش می‌کند. اما صدها سال است که مهندسان زیادی این سوال را از خود پرسیده‌اند که چرا این برج کج ۵۸ متری با وجود این‌همه سال و دیدن بلایای طبیعی و سیل و زلزله‌های قدرتمند، بیشتر از بناهای سالم هم سن و سالش عمر کرده و تا امروز در شهر رم استوار سرجایش باقی مانده است؟

ظاهراً بالاخره یک جواب قابل قبول از طرف جمعی از مهندسان



زلزله‌شناسی دانشگاه بریستول در انگلستان به سرپرستی پرفسور جرج میلوناکس برای این سوال پیدا شده است. برج پیزا با وجود اینکه در یک زاویه پنج درجه‌ای نشست کرده و ارتفاع آن پنج متر کم شده ولی از حداقل چهار زلزله قوی که از سال ۱۲۸۰ در منطقه‌ای که در آن واقع شده جان سالم به در برده است.

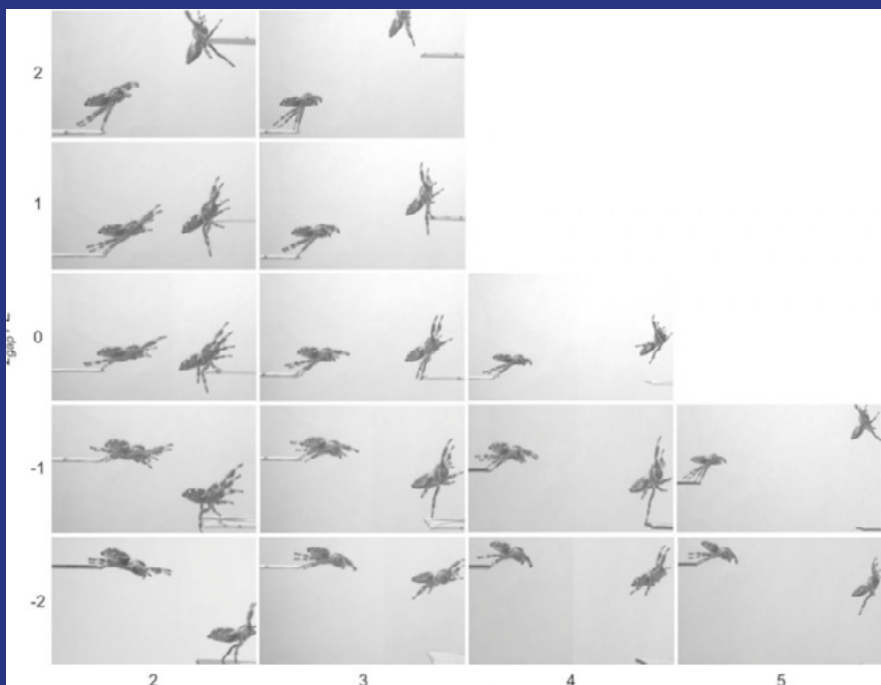
با توجه به اینکه بناهای صاف و سر حال هم در مواقع زلزله آسیب می‌بینند، سالم ماندن این برج خم شده جزو شگفتی‌های مهندسی است که توجه بیشتر افراد دنیا را به خود جلب کرده است. حالا تیم انگلیسی با آزمایش‌های طولانی که روی مباحث زلزله‌شناسی و لرزه‌نگاری انجام دادند به این نتیجه رسیدند که علت بیشتر به ساختار خاک زیر برج برمی‌گردد. نکته جالب اینجاست که همان خاکی که با نشست زیر این برج،

باعث کج شدنش شده، به دلیل نوع ساختار و تعاملی که با پی این برج ایجاد کرده، در طول این سال‌ها آن را پایدار هم نگه داشته است. بنابراین می‌توان به معنای واقعی گفت که هیچ کاری بی حکمت نیست!



مصطفی نبوی و عنکبوتی به نام «کیم»

ظاهرا دیگر عنکبوت هم از دست کارهای این دانشمندان در امان نیست و مثل یک بچه خوب مودب، تن به آزمایشات پیچیده‌ای داده که راز حرکات معروف‌اش را بر همه آشکار کند! نکته جالب اینجاست که تربیت این عنکبوت بامزه که اسمش «کیم» است بر عهده یک دانشمند ایرانی دانشگاه منچستر به نام «مصطفی نبوی» است! اگر موضوع به اندازه کافی برایتان جذاب شده بهتر است بدانید که این کار به هدف تجزیه تحلیل حرکات عنکبوت و همچنین ترسیم دقیق آناتومی بدن او با استفاده از تصاویر دوربین‌های سه بعدی با وضوح بالا انجام شده و قرار است در آینده به عنوان الگوی حرکات پرشی و نمایشی میکروروبات‌های مدرن مورد استفاده قرار گیرد. البته در حال حاضر تصور اینکه بتوان چنین میکروروباتی طراحی کرد از لحاظ مهندسی کمی غیر ممکن به نظر می‌رسد.



دکتر مصطفی نبوی درباره این تحقیق و عنکبوتی که تربیت کرده گفته است که عنکبوت‌ها به شکل خارق‌العاده‌ای تا ۶ برابر ارتفاع بدن خود می‌پرند در حالی که انسان فقط در بهترین حالت تا ۱/۵ برابر ارتفاع خود، می‌تواند بپرد. شگفت‌انگیزترین بخش اینجاست که نیرویی که روی پاهای عنکبوت در این پرش اعمال می‌شود در حدود ۵ برابر وزنش است و این از لحاظ بیومکانیکی بسیار عجیب است. محققان دانشگاه منچستر به سرپرستی دکتر نبوی، «کیم» را مجبور کردند که در ارتفاع‌ها و زاویه‌های مختلفی بپرد و بعد زاویه پاها و نحوه فرود را بارها و به دقت مورد مطالعه قرار دادند. بعد از جمع‌آوری نتایج فهمیدند که این عنکبوت برای هر حرکت پرشی، یک استراتژی مشخصی دارد. مثلاً در حرکات کوتاه‌تر و فاصله نزدیک‌تر از یک مسیر سریع و با انرژی بیشتر و به حداقل رساندن زمان پرش استفاده می‌کند. در حالی که در فواصل طولانی‌تر، او انرژی خود را ذخیره و سعی می‌کند زمان فرود را طولانی کند. به نظر می‌رسد که با استفاده از نتایج این الگوبرداری علمی، به زودی مرد عنکبوتی واقعی هم سر و کله‌اش در دنیای مدرن ما پیدا شود.

استیویا

شیرین کننده چاق نکن!

مهرنوش اردلان یکتا آیا شیرین کننده‌های استیویا (Stevia)

ضرر دارند؟ آیا مصرف این مواد با اثرات منفی و یا علائم گوارشی همراه است؟ آیا مصرف این شیرین کننده‌ها به همراه ترک شکر باعث ولع مصرف شکر می‌شود؟

بیشتر سازمان‌های ایمنی و سلامت غذایی، استیویا که گیاهی بومی آمریکای جنوبی است را بی‌خطر در نظر می‌گیرند. اما بعضی از پژوهشگران هشدار می‌دهند که شواهد کافی وجود ندارد تا نشان دهد چگونه محصولات نظیر استیویا که شیرین کننده‌های غیرمغذی هم نامیده می‌شوند و کالری ندارند، بدن را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

استیویا می‌تواند ۲۰۰ تا ۴۰۰ برابر شکر معمولی قدرت شیرین‌کنندگی داشته باشد. این شیرین‌کننده امروزه در محصولات نظیر نوشابه‌های رژیمی و یخ‌چای و در غذاهایی که به عنوان کم‌شکر به بازار عرضه می‌شوند، مانند بستنی و ماست میوه‌ای یافت می‌شود.

شیرین کننده استیویا از تصفیه جزء اصلی گیاه که در برگ‌های



آن یافت می‌شود به نام استویول گلائی کوزاید (-Steviol Glycoside) به دست می‌آید. انجمن ایمنی غذای اروپا و سازمان بهداشت جهانی استفاده از این ترکیبات را در مقادیری که به طور معمول به کار برده می‌شود، بی‌خطر دانسته‌اند. این نتیجه بر اساس مطالعاتی است -اغلب با بودجه صنعتی- که بر روی باکتری‌ها و جوندگان انجام شده و نشان داده است که استیویا باعث تخریب DNA یا ایجاد سرطان نمی‌شود و همین طور چندین مطالعه انسانی که نشان داد استیویا اثری بر فشار خون یا قند خون ندارد.

مرکز علمی CSPI که یک گروه حمایتی مواد غذایی است و اغلب نسبت به جایگزین‌های شکر انتقاد دارد، اولین بار در سال ۲۰۰۸ و بعد از به بازار آمدن شیرین‌کننده استیویا اعلام کرد که لازم بود سازمان غذا و داروی آمریکا آزمایشات بیشتری را بر روی آن انجام می‌داد. با این وجود، این مرکز در سال ۲۰۱۴ گیاه استیویا را به عنوان یکی از بی‌خطرترین جایگزین‌های شکر گزارش کرد که بخشی از آن به دلیل سابقه استفاده طولانی مدت از این گیاه در کشور ژاپن است.

با این که شیرین‌کننده استیویا در روده بزرگ توسط باکتری‌ها تجزیه می‌شود، اما در مطالعات، علائم گوارشی مانند نفخ شکم و یا اسهال گزارش نشده است. با این حال برخی از محصولات حاوی استیویا شامل الکل‌های قندی مانند اریتریتول (Erythritol) هستند که اگر در مقادیر بالا مصرف شود، می‌تواند سبب مشکلات گوارشی شود.



مارینا چپاررو، متخصص تغذیه و سخنگوی آکادمی تغذیه و رژیم غذایی گفت: استفاده از استیویا یک استراتژی معقول برای کاهش میزان قند مصرفی است. بدون افزودن شکر اضافه، استیویا به غذا طعم و مزه می‌دهد بدون این که قند خون شما را تحت تأثیر قرار دهد.

این که آیا استفاده از شیرین‌کننده‌های بدون کالری مانند استیویا می‌تواند کالری مصرف شده را کاهش دهد، هنوز نامعلوم است. تحقیق کوچکی که به تازگی انجام شده است، نشان داد که برای مثال هنگامی که شرکت‌کنندگان برای صبحانه از نوشیدنی‌هایی استفاده کردند که به جای شکر با استیویا شیرین شده بود، بیشتر ناهار خوردند و همراه با آن جهش قند خون و انسولین بیشتری در خون‌شان داشتند.

بعضی از پژوهشگران نسبت به استفاده طولانی‌مدت از شیرین‌کننده‌های غیر مغذی که می‌تواند اثرات متابولیک ناخواسته‌ای داشته باشد و ممکن است با آزمایشات و معیارهای سم‌شناسی استاندارد قابل تشخیص نباشد، اظهار نگرانی کرده‌اند.

این نکته که شیرین‌کننده‌هایی از این دست چگونه ممکن است میکروبیوم‌های روده‌ای ما را تحت تأثیر قرار دهند و یا این که آیا طعم شیرین بدون دریافت کالری می‌تواند تنظیم جذب انرژی و پاسخ به مصرف شکر را در بدن تغییر دهد، به پژوهش‌های بیشتری نیاز دارد.

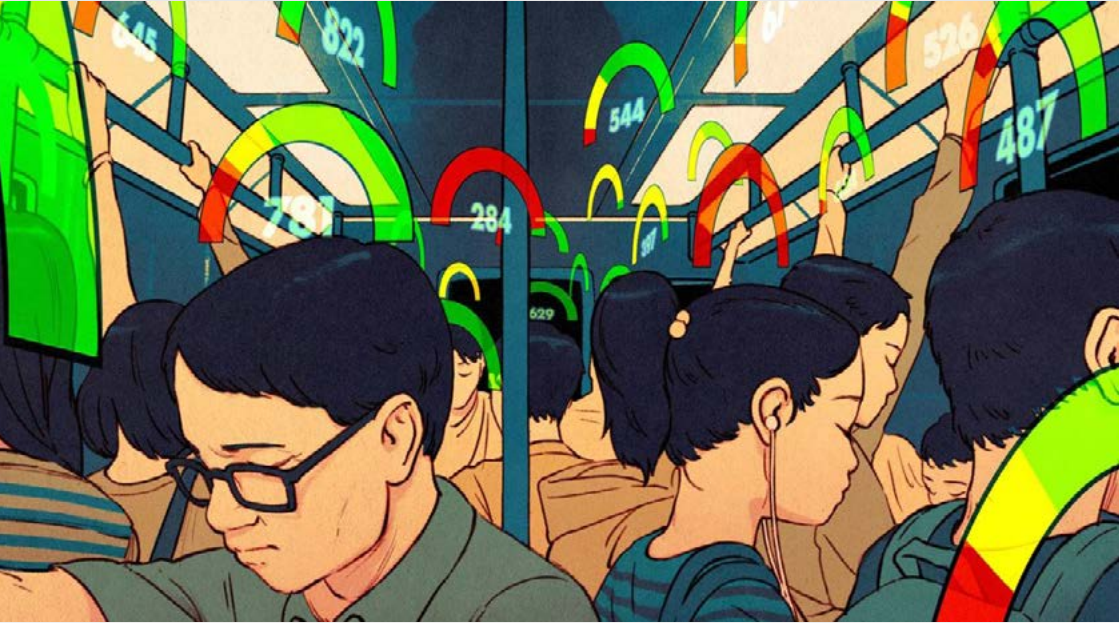


پروژه‌ی امتیازدهی به شهروندان در چین

پریسا کوکلان اگر از طرفداران علم و سریال‌های تخیلی هستید احتمالاً سریال انگلیسی «آینه‌ی سیاه» (Black mirror) را دیده‌اید. در اولین قسمت از فصل سوم این سریال با عنوان «تنزل ناگهانی» (Nosedive)، در سال ۲۰۱۶، دختر جوانی آرزوی خریدن خانه‌ی رویایی خود را در سر می‌پروراند. او در دنیایی زندگی می‌کند که مردم برای کسب خواسته‌ها، داشتن تسهیلات و جایگاه اجتماعی نیاز دارند تا از دیگران امتیاز بگیرند و دائم بر اساس رفتارها و برخوردهای اجتماعی به یکدیگر نمره می‌دهند. دختر جوان تصمیم می‌گیرد که در مراسم ازدواج دوست قدیمی‌اش شرکت و برای جمع کردن امتیاز به شهر او سفر کند. بدشانسی‌ها و اشتباهاتش موجب می‌شود که برخلاف انتظارش این امتیاز کاهش پیدا کند و تا جایی پیش رود که حتی امتیاز لازم برای سفر با هواپیما را هم نداشته باشد.

«تنزل ناگهانی»، قسمت اول <
از فصل سوم سریال «آینه‌ی
سیاه»، ۲۰۱۶





«آینهی سیاه» در چین به حقیقت می‌پیوندد

از اول مه ۲۰۱۸، مردم چین بر اساس رفتارهای اجتماعی خود و امتیازهایی که می‌گیرند قضاوت می‌شوند. چینی‌هایی که امتیاز کم گرفته‌اند قادر به خرید بلیت قطار و هواپیما تا سقف یک سال نخواهند بود. مردم چین با خرید کالای چینی، کار خوب و به اشتراک گذاشتن مطالب در ستایش اقتصاد ملی، در شبکه‌های اجتماعی امتیازهای بیشتری دریافت می‌کنند. اگر با سیاست کشورشان مخالفت کنند، جستجوهای مشکوک در اینترنت انجام دهند و چراغ قرمز عابر پیاده را رد کنند، امتیازشان کاهش خواهد یافت. چین از سال ۲۰۱۴ تا به حال روی این پروژه کار می‌کند و قصد داشته تا در سال ۲۰۲۰ آن را اجرا کند اما چون شرایط آماده بوده، این کار را سرعت بخشیده است.

نظرات محققان، متخصصان و کاربران در فضای مجازی حاکی از نگرانی آن‌ها از گسترش این سیستم و سرایت آن به کشورهای دیگر است. از طرف دیگر این شیوه می‌تواند محلی برای انتقام‌های شخصی از قضاوت‌های مغرضانه و اختلاف‌های خصوصی باشد. اما به نظر می‌رسد که این پروژه برای برخی از کشورها همچون چین که از قدرتمندترین دستگاه‌های نظارت بر مردم برخوردارند، روشی جدی، سریع و آسان، با استفاده از فن‌آوری، برای کنترل مردم، رفتارها و افکارشان باشد.



کتابخانه

از چشم فوئنتس

کارلوس فوئنتس



علی زندیه و کیلی

«از چشم فوئنتس» مجموعه مقالاتی اثر کارلوس فوئنتس است. او در این مقاله‌ها از سروانتس تا کوندرا را در گستره‌ای تازه به تصویر می‌کشد تا در این میان و به این بهانه بزرگانی چون دیدرو، گوگول، بورخس، مارکز و بونوئل نیز مورد تدقیق قرار گیرند. این نویسنده مکزیکی خوش‌فکر و توانمند به قول مترجم اثر، عبدالله کوثری، «راهی دیگر برای نگاه کردن به ادبیات پیش روی ما می‌نهد» و به دریافتی تازه از ادبیات راهنمایی‌مان می‌کند. این مجموعه که از کتاب «خودم با دیگران» فوئنتس، که در اصل به انگلیسی منتشر شده است، به ترجمه‌ی مثل همیشه خوب کوثری مزین شده و چون آینه‌ای است برای انعکاس تجربه فوئنتس در آشنایی با این نویسندگان بزرگ به هیچ وجه به نظریه‌ها و تفسیرهای دانشگاه و دانشگاهی‌ها محدود نشده است. کوثری درباره نقش فوئنتس در خلق این اثر می‌نویسد «او آنچه را که دیده با خواننده در میان می‌نهد و از این روست که نگاه او، نگاهی یگانه و بی‌بدیل است و به ما فرصت می‌دهد دنیای پر تنوع ادبیات را از چشم انسانی تماشا کنیم که نه تنها دانشی عمیق در همه زمینه‌های فرهنگ انسانی دارد، بلکه خود نویسنده‌ای تواناست و ادبیات اصیل را می‌شناسد و چنانکه بایست قدر می‌نهد.»

تعداد صفحه: ۳۴۸

نسخه کاغذی: ۱۳ هزار تومان

تمرکزِ نشئه

رضا براهنی



برای ساناز

چقدر و چند ازین پرنده‌ها بغلات داری پیروازان همه را من آمده‌ام
آماده‌ام
از آسمان کاغذ خالی می‌بارد آغشته کردی آغشته مرا به خونِ خود
پیروازان حالا
کاشکاش آمد کلاغ‌های جهان نیستند و آسمان می‌باراند روحِ تو را
بر روی من
چقدر و چند ببینم و هیچ‌گاه سیر نشوم
می‌آمده‌ای انگار با غنچه‌ها از گوش‌هایت هرچه با چشم‌هایم تو را
بخورم سیر نمی‌شوم
بسیرانم
بگو پیرانندم و دور خود دور تو چرخانندم و دامن‌هایت را به تکان
بریزانم من میوه‌هایم را
که پیش مرگ تو باشم که بوی گردن آهو را بپیچانم به جانم که پیش
پیش مرگ تو باشم
بی شکسته با الفِ قد تو می‌رقصد حالا همه کلمه آن تو میان من

بالای ما

چقدر و چند ازین چیزها بغلات داری چقدر و چند
به خودت او گفتمی مرا به او در خیالاش بغلتان که خواباش با
خوابام آید

حرامیان رؤیاهایم را بیدار کن که دروازه‌های زمان باز شده زن و
زمان و زبان همسفر
و شهر را خبر نکن که جنوناش بر سطح رنگ می‌ساید جنون من
نگرانی است

مرا به روی انگشتات بچرخان بچرخانم بچرخانم که هر دو
بیماریم

به کجا که برگردی کجا آن کجاست کجا هم نیست
در نهاد زن و شادی او او بیدن
به گردن خود ببوسانم از کجاهایم به ساحل آمده‌ام حتا هنوز هم
غرق طراوت نامات

یارم نباش، خودت باشم خودم باش خود پیش مرگ تو بودن
خبر کن موسیقی را که گره‌های انگشتان‌ات به ماه گره خورده‌اند
که ناخنات هلال ماه شده چیزی نیست هلال ماه در شب واحد
بودی چیزی نیست

مرا به سوی خود بتابان بچین، رسیده و نرسیده بچین و پنجره را
باز کن

جهان به سوی جهان است ببیندت حالا بچین‌ام
برو به هوا، به هوای این که من از پشت پا نگران‌ات شوم
و آمدی که بیایی بیا و چنگ‌وار منحنی‌ام را بگیر و باز بغل کن بزن
که بخواند

بدم به من پهلوهایت را و شانه‌هایت را
بتوفانم و برنگردان‌ام و هیچ‌ام کن که هیچ نداندمان
و شهر را خبر نکن که این که می‌گویم جنون نداند
و یادگارم کن به دیوارهای هیچ و بنویسانم

حرفه‌ای

The Professional

نویسنده: دوشان کواچویچ

Playwright: **Dusan Kovacevic**

مترجم: دکتر ایرج امامی

Translator: **Dr. Iraj Emami**

طراح و کارگردان: رضا کیانیان

Designer & Director: **Reza Kianian**

تهیه کننده: نورالدین حیدری ماهر

Producer: **Noureddin Heidari Maher**

بازیگران:

Cast:

رضا کیانیان

Reza Kianian

هدایت هاشمی

Hedayat Hashemi

دیانا فتاحی

Diana Fathi

سعید ملک

Saeed Malek

موسیقی: علی کیانیان

Composer: **Ali Kianian**

مونترال کانادا

**Occar Peterson
Concert Hall**

7141 Sherbrooke St. W
Montreal QC, H4B 1R6

18th of May 2018

6:00 pm

خرید بلیط پیش دیجیتال

5 1 4 2 2 3 3 3 6

خرید بلیط اینترنتی

thepro.eventbrite.ca



گردش در موزه‌های بدون سقف

پریسا کوکلان

با پا گذاشتن بهار و آفتاب به شهر مونترال، میزان گردشگری در سطح شهر و شور و شوق آن افزایش یافته است. به زودی شاهد آغاز برنامه‌ها، فستیوال‌ها و اجراهای موسیقی خیابانی در مرکز شهر خواهیم بود. مونترال از شهرهای شاد و زنده‌ی آمریکای شمالی محسوب می‌شود و شاید بتوان ادعا کرد که مهم‌ترین شهر هنری کشور کانادا است. یکی از حرکت‌های فرهنگی و شورانگیز شهر مونترال، قرار دادن مجسمه‌ها و آثار هنری هنرمندان مشهور و جهانی در خیابان‌ها و نمایش آن‌ها در انظار عمومی است.



این کار نه تنها به زیبایی شهر کمک می کند که چشم و حس مردم را در خیابان با این آثار آشنا می کند.

از جمله این رویدادها می توان به نمایشگاه خیابانی «راهی برای صلح» که در سال گذشته به همت موزهی هنرهای زیبای مونترال و دانشگاه مک گیل برگزار شده بود، اشاره کرد.

این حرکت ادای احترامی به نمایشگاه بین المللی مونترال در سال ۱۹۶۷ و بزرگداشت سیصد و هفتاد و پنجمین سالگرد تأسیس مونترال بود. در میان آثار نمایش داده شده مجسمه‌ی عظیم‌الجثه با عنوان «زن رقصنده» مجسمه‌ساز بی نظیر فرانسوی آمریکایی، نیکی دو سن فل (Niki de Saint Phalle) در کنار پرچم‌های برافراشته‌ی ملل رخ‌نمایی می کرد.



▲ زن رقصنده، نیکی دو سن فل، ۱۹۹۵

باغ مجسمه‌ها

Le jardin de sculptures

برای مشاهده و عکس گرفتن از آثار هنری هنرمندان افسانه‌ای دنیا در مونترال نیازی به موزه رفتن، تهیه بلیت، برنامه‌ریزی و پیدا کردن ساعات کار موزه نیست. فقط کافی است که در هر ساعتی از شبانه‌روز به خیابان موزه Avenue du musée

روبروی موزهی هنرهای زیبای مونترال در خیابان شربروک برویم. در این باغ زیبا ۲۲ مجسمه در فضای باز به نمایش گذاشته شده است.

این مجموعه نگاهی به مجسمه‌سازی از دورهی مدرن تا به امروز دارد. در این میان می‌توانیم شاهد آثار هنرمندانی افسانه‌ای همچون الکساندر کلدِر، (Alexander Calder) مجسمه‌ساز و نقاش آمریکایی و هنری مور (Henry Moore) مجسمه‌ساز انگلیسی باشیم.

باغ مجسمه‌ها در واقع نمونه‌ای دیگر از «موزه‌های بی‌سقف» به شمار می‌رود که در سال ۲۰۰۴ در همین محل با عنوان «مکس و ایریس» (Max et Iris) افتتاح شده است.

به گفته‌ی موزهی هنرهای زیبای مونترال این مجموعه از مهم‌ترین مجموعه‌های هنر عمومی در این شهر محسوب می‌شود و به همین خاطر یکی از پنج مسیر و مقصد گردشگری هنری است که از طرف مرکز گردشگری مونترال به مسافران پیشنهاد می‌شود.



▲ الکساندر کلدِر، ۱۸۹۸-۱۹۷۶
عکاس پریسا کولکلان

LA VOIX

فینال مسابقه صدا

La grande Finale

یاما لوران (Yama Laurent)، برنده‌ی دوری
ششم صدای کبک

پریسا کوکلان

مسابقه‌ی صدای سال ۲۰۱۸ هم به پایان رسید و برنده‌ی نهایی آن مشخص شد. یاما لوران با کسب ۶۰٪ آرا فاتح رقابتهای فصل ششم صدای کبک شد. یاما ۲۷ سال دارد، در هائیتی بزرگ شده است. او با صدای زیبای خود از آغاز مسابقات مخاطبان و مربیان را تحت تأثیر قرار داد و گرو را به عنوان مربی خود برگزیده بود. گرو اظهار می‌کند که یاما برای او همچون کشف یک استعداد هنری بی‌نظیر بوده است و مسیر حرفه‌ای آن‌ها تا به آخر به هم گره خواهد خورد. یاما لوران برای اجرای نهایی خود قطعه‌ی «کمی از ما» یا «Un peu de nous» از گرو را اجرا کرد. صدای زیبا و اجرای پر قدرت او نه تنها داوران که کبک را شیفته خود کرد. در هفته‌ی گذشته لودوویک بورژوا برنده‌ی دوری قبل این مسابقه اظهار کرده بود که امیدوار است یاما لوران برنده‌ی مسابقه باشد چراکه او را بهترین شرکت‌کننده در این دوره می‌بیند.



معرفی مربی :

الکس نوسکی

(Alex Nevsky)

الکساندر پَران Alexandre Parent که به نام الکس نوسکی معروف است، در سال ۱۹۸۶ در گرنبی Granby در استان کبک متولد شده است. به نظر می‌آید که نام الکس نوسکی را به یاد قهرمان نظامی روسی، شاهزاده و یکی از قدیسان کلیسای ارتودوکس برای خود انتخاب کرده باشد. او در مدتی کوتاه توانسته است عنوان شاهزاده‌ی موسیقی پاپ را در میان هنرمندان برجسته‌ی دوره‌ی خود به دست بیاورد. او تا به حال موفق به دریافت جوایز متعددی شده است. از جمله در سال ۲۰۱۴ او برنده جایزه‌ی فلیکس شد. نوسکی در سال ۲۰۱۶ سومین آلبوم خود را با عنوان «الدورادوهای ما» به معنی «مدینه‌ی فاضله» به بازار ارائه داده است. الکس نوسکی همکاری خود با این مسابقه را از سال ۲۰۱۶ و مسابقه «صدای کودکان» La Voix Junior ۷ که ویژه کودکان هفت تا چهارده سال بود، آغاز کرد. او از سال ۲۰۱۷ وارد مسابقه‌ی بزرگسالان شد و به جمع مربیان آن پیوست.



نگاهی به سریال پیاده‌روی مردگان
(The walking Dead)

وقتی عیار انسان مشخص می‌شود

سجاد صاحبان زند نمی‌دانم حرکات زامبی‌وار ترامپ من را به نوشتن درباره سریال «پیاده‌روی مردگان» (The walking Dead) کشاند یا تمام شدن فصل هشتم آن، اما هر چه هست این هفته به جز نوشتن درباره مجموعه تلویزیونی مورد علاقه‌ام، دستم به نوشتن چیز دیگری نمی‌رود. با این توضیح که برای دیدنش فصل هشتمش در نت فلیکس باید تا سپتامبر صبر کنم. البته راه‌های دیگری هم هست. مثلاً می‌شود برای دیدن هر قسمت‌اش دو دلار پرداخت یا این‌که در یک عمل زامبی‌وار، قسمت‌های جدید سریال را از وبسایت‌های ایرانی دانلود کرد. البته قطعاً سراغ این راه حل آخر نخواهم رفت.



داستان چیست؟

داستان در شهر آتلانتا در ایالت جورجیا روی می‌دهد، یکی از جنوبی‌ترین ایالت‌های آمریکا، جایی که لهجه و فرهنگ خاص خود را دارد. ریک، که بعدها متوجه می‌شویم قهرمان سریال است، در حال رانندگی در فضای حومه شهر است. همه چیزها تغییر هویت داده‌اند و انگار موجود زنده‌ای به جز این پلیس نسبتاً جوان وجود ندارد. او می‌خواهد باک بنزین ماشینش را پر کند، اما پمپ‌بنزینی پیدا نمی‌کند تا این که او به پمپ‌بنزین متروکه‌ای می‌رسد. ماشین‌های زیادی در کنار پمپ‌بنزین رها شده‌اند. ریک ناگهان صدای حرکت چیزی را می‌شنود. می‌بیند دختر بچه‌ای با بدن خونین، با چشمانی خالی از زندگی به سوی او می‌آید. پلیس جوان بدون اختیار دست به اسلحه می‌برد و شلیک می‌کند، اما زامبی برمی‌خیزد و دوباره به سوی او می‌آید. تیتراژ سریال آغاز می‌شود.

اگر داستان فیلم‌نامه تا اینجا کار توانسته توجه شما را جلب کند شاید بد نباشد بدانید که کل داستان از اینجا شروع می‌شود که ریک و همکارش در ماشین پلیس نشسته‌اند و درباره زندگی شخصی خود حرف می‌زنند که از مرکز پلیس برای تعقیب یک مجرم اعزام می‌شوند. آن‌ها کمی بعد در تعقیب و گریز با ماشین مجرم، تصادف می‌کنند و ریک به کما می‌رود. وقتی او دوباره به هوش می‌آید و به زندگی بازمی‌گردد همه چیز عوض شده است. او یک زامبی نیست، اما همه‌جای محل زندگی‌اش را زامبی‌ها گرفته‌اند.



چرا سریال جذاب است؟

سریال‌ها و فیلم‌های ترسناک جذابیت‌های خود را دارند و علت آن را باید در روانشناسی انسان جست. این که اغلب این فیلم‌ها پرفروش می‌شوند، شاید به کنجکاوی انسان برگردد، این که ناشناخته‌های بسیاری وجود دارد و بعد از مرگ چه سرنوشتی در انتظار ماست.

ما شرقی‌ها، مرگ را در بسته‌ای از ابهام می‌پیچیم و درباره‌اش صحبت نمی‌کنیم. قبرستان‌های ما زیبا نیستند و در فضای ترسناک قرار دارند. اما انسان غربی تلاش می‌کند تا درباره‌اش تخیل کند و حتی آن را با طنز بیامیزد. این که اگر مردگان به زندگی برگردند، چه شکلی خواهند شد. این که زندگی بدون روح انسانی، چگونه خواهد بود. (داخل پرانتز عرض کنم در فاصله کوتاهی که به خودم استراحت دادم تا ادامه این متن را بنویسم، در صفحه اینستاگرام یکی از ناشران دیدم که کتابی با عنوان «مرگ با طعم بستنی» را تبلیغ می‌کنند. کتابی که برای نوجوانان نوشته شده)

همه این‌ها برای مخاطب ایجاد جذابیت می‌کند، اما چیزی که به گمانم باعث جذابیت سریال «پیاده روی مردگان» می‌شود، نکاتی فراتر از این‌هاست.

سریال «پیاده روی مردگان» را باید فراتر از یک مجموعه تلویزیونی با شخصیت‌های زامبی‌وار دید. آن چه

در این سریال بیان می‌شود، چیزی

است که سعدی از آن با عنوان «

شناختن آدم به هنگام سفر

یا مصیبت» یاد می‌کند.

سعدی می‌گوید که همه

ما در حالت‌های عادی،

آدم‌های خوبی هستیم،

اما وقتی با مشکل روبرو

می‌شویم، بدی‌هایمان

را به نمایش می‌گذاریم.

یا اگر خصلت انسانی

قوی‌ای در ما وجود

داشته باشیم، آن را

بروز می‌دهیم.

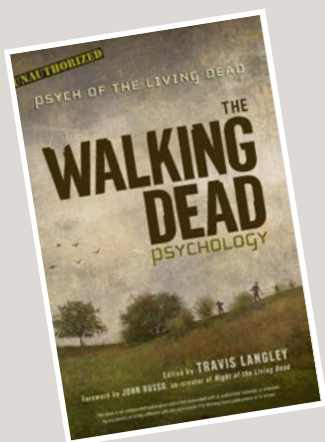


سریال «پیاده روی مردگان» دقیقا به همین علت جالب است، چون شخصیت‌هایش را در مواجهه با ترس، گرسنگی، مرگ و هرگونه مشکل دیگر قرار می‌دهد و در این شرایط شخصیت‌ها مرتبا ما را شگفت‌زده می‌کنند. نه این‌که رفتارشان با معیارهای عقلی جور در نیاید، که گاهی با قضاوت‌های ما همخوان نیست. این سریال را دوست دارم چون به شناخت بهتر از خودم به من کمک کرده است، این‌که گاهی انسان‌های زنده، از زامبی‌ها هم ترسناک‌ترند و وحشی‌تر.

کاستی‌ها

با این همه نمی‌شود گفت که سریال «پیاده روی مردگان» خالی از هرگونه اشکالی است. اول این‌که یک مجموعه تلویزیونی زامبی‌وار، قطعاً خشن است و به درد بچه‌های زیر ۱۴ سال نمی‌خورد. دیگر این‌که، گاهی اتفاق‌هایی در فیلم می‌افتد که حتی با سیستمی که خودش ساخته جور در نمی‌آید. مثلا زامبی‌ها باید غذا بخورند تا قوی باشند و اگر غذا نخورند ضعیف می‌شوند، اما زامبی‌هایی در سریال هستند که اصلا شکم ندارند. اما این نکته چنان در مقابل داستان فیلم رنگ می‌بازند که کمتر متوجه‌شان می‌شویم. یا حتی اگر متوجه‌اش شویم، برای ما اهمیتی نخواهد داشت.

اگر خواستید بیشتر درباره این سریال بخوانید، علاوه بر مقالات بسیار در اینترنت، می‌توانید کتاب «روانشناسی پیاده روی مردگان» (The walking Dead Psychology) را که توسط تراویس لانجلی تدوین شده، بخوانید. این کتاب در **کتابفروشی ایندیگو** با قیمت ۱۶ دلار موجود است.



خانم گربه محقق

زینب یوسف زاده

چند ماهی که از آمدنم به مونترال گذشت، دلم برای گربه‌ها حسابی تنگ شد. فکر نکنید از آن آدم‌ها هستم که همیشه گربه ملوسشان زیر دستشان است و زیر گردنش را نوازش می‌کنند. اتفاقاً به جز چند تا جوجه مرغ و اردکی که در بچگی داشتم که آنها هم خوراک گربه‌ها شدند، پیش نیامده که حیوان خانگی داشته باشم. دلتنگیم بیشتر از آن جهت بود که در خیابان‌های مونترال قحطی گربه است. معدود گربه‌هایی که اینجا دیده‌ام، یا اسیر خانه‌ها هستند یا توی یک کالسکه ویژه، مثل یک محموله مخفی حمل می‌شوند و یا از پشت شیشه یک آپارتمان، مشغول دید زدن رهگذرانند. از آن دم‌های پشمالوی برافراشته بر فراز سطل آشغالها، از آن چشم‌های درخشان در شبها سر دیوارها، از آن انعکاس میومیوهای عاشقانه در کوچه و پس کوچه‌ها که در ایران بود، اینجا خبری نیست. شاید همین تصاویر تلنبار شده گربه‌ای در ناخودآگاهم، باعث شد که از دیدن خانم گربه مزرعه تحقیقاتی دانشگاه مک‌گیل در وست‌ایلند آنقدر به وجد آیم.

همان روز اول که در زیر آسمان وسیع و آبی مرکز تحقیقات کشاورزی Emile A Lods، کارشناس مربوطه داشت جایی را که در دو ماه آینده باید روی آن کار می‌کردیم را نشانمان می‌داد و مزرعه‌ها را معرفی می‌کرد که خانم گربه خرامان وارد جمعمان شد و در کنار سایر بچه‌ها ایستاد. گوینده خودش را مکلف دید که گربه را به



EMPLOYEE OF THE MONTH

همه معرفی کند و بگوید که او یکی از کارمندان این مرکز تحقیقاتی به حساب می آید. خانم گربه اجازه ورود به هر مکانی و نشستن در هر جایگاهی را دارد. توی هر جلسه‌ای که صلاح بداند شرکت می کند و هر جا که حوصله‌اش سر برود، خمیازه‌ای می‌کشد و جلسه را ترک می‌کند. گاهی هم وقتی زیر آفتاب مشغول کار روی

زمین‌ها هستیم، می‌بینیمش که لابلای علفها، نرم و آرام قدم برمی‌دارد و دنبال پرنده‌های کوچک و موش‌ها می‌دود. صبح‌ها که وارد مرکز می‌شویم، سرکی می‌کشد، پشت چشمی نازک می‌کند، کمرش را انحنایی می‌دهد، با پایه صندلی تنش را می‌خاراند و از اتاق بیرون می‌رود. موقع ناهار به هیبت نقشه ایران می‌نشیند و قاشق‌هایی که به دهان می‌گذاریم را می‌شمارد، گاهی هم بی‌خبر ناپدید می‌شود و چند ساعت بعد دوباره سروکله‌اش پیدا می‌شود.

اطلاع دقیقی از اینکه چه زمانی این دوروبرها پیدایش شده در دست نیست، دانشجویان، پژوهشگران و اساتید آمده‌اند و رفته‌اند ولی خانم گربه تنها و سرخوش ما در مرکز تحقیقات مانده است. دیدن حیوانات آزاد که متعلق به کسی نیستند و رها و طبیعی مشغول کار و زندگی‌اشان هستند همیشه شادم می‌کند، چه رسد به این یکی که در آشفته بازار پیدا کردن کار، در یک مرکز تحقیقاتی آنقدر مانده که برای خودش جایگاهی هم پیدا کرده است.

Do you speak

english ?



ENGLISH
as a second language

Conversation Classes

کلاس مکالمه انگلیسی

به مدت ۲ ماه ، ۱۶ جلسه ، هر جلسه ۱ ساعت و نیم

هزینه کل دوره : ۹۶ دلار

محل برگزاری : کانون فرهنگی نور 4844 Av.de coutrai H3W 1A4

ثبت نام در سایت : www.noorcentre.com



4389897362



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

اگر از خواندن **مداد** لذت می برید

اشتراک آن را

به دوستان خود پیشنهاد دهید

اشتراک مداد رایگان است

فرم اشتراک